



[جهان](#)

[ایران](#)

چهارشنبه، ۱۲ دی ۱۳۹۷ ۱۵:۴۱

[Facebook](#) [Twitter](#) [Telegram](#) [Balatarin](#) [Print](#)

چرا ایران و کشورهای اسلامی در مقابل سرکوب مسلمانان چین سکوت کرده‌اند

بنا بر گزارش‌های منتشر شده از سوی کمیته رفع تبعیض نژادی سازمان ملل، دولت چین استان خودمختار سین کیانگ را به چیزی شبیه یک اردوگاه بازداشت تبدیل کرده و شمار آن دسته از مسلمانان ترک اویغور که در پی بازداشت‌های دسته‌جمعی در کمپ‌های امنیتی این استان نگهداری می‌شوند، از ده‌ها هزار نفر به یک میلیون نفر افزایش یافته است.

چین ادعا می‌کند که در حال مبارزه با تروریسم اسلامی است. دو دهه نخست قرن ۲۱ به عنوان عصر طلایی تروریسم اسلامی و متعاقب آن، تشکیل ائتلافی جهانی برای مبارزه با تروریسم اسلامی، برای چین هم فرصتی فراهم کرد تا بهانه بهتری برای قلع و قمع اقلیت مسلمان خود به دست بیاورد. در این راستا، دولت چین می‌گوید افرادی که در بازداشت به سر می‌برند در راستای مبارزه با تروریسم دستگیر شده‌اند و در حال سپری کردن دوره «بازآموزی» و «افراط زدایی» و یادگیری «ارزش‌های چینی» هستند.

طنز ماجرا اینجا است که در حالی که ایالات متحده و کشورهای عضو اتحادیه اروپا در تلاش برای تحت فشار گذاشتن چین به علت نقض حقوق مسلمانان اویغور هستند، پکن هنوز انتقاد و اعتراضی جدی از کشورهای جهان اسلام دریافت نکرده است. همزمان با انتقاد مایک پومپئو، وزیر خارجه آمریکا از چین، اخیراً گروهی از قانونگذاران از هر دو حزب سیاسی آمریکا در کنگره خواستار اعمال تحریم‌هایی علیه مقام‌های ارشد چین به همین علت شده‌اند. اتحادیه اروپا و به‌ویژه آلمان هم به شدت واکنش نشان داده و آمریکا را در محکومیت سیاست‌های سرکوبگرانه چین، همراهی کرده‌اند.



با این وجود سوال اینجا است که چرا ایران، ترکیه و عربستان سعودی به عنوان سه قدرت عمده اسلامی منطقه در مقابل سرکوب اویغورها در چین و تبدیل منطقه مسلمان‌نشین ترکستان شرقی - که توسط چینی‌ها سین کیانگ (قلمرو جدید) نامیده می‌شود - به بزرگترین زندان روباز جهان سکوت کرده‌اند؟

به نظر می‌رسد این کشورها عمدتاً به دو دلیل سکوت پیشه کرده‌اند: نخست اینکه کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه دارای منافع و پیوندهای تجاری گسترده‌ای با چین هستند و نمی‌خواهند این منافع به خطر بیفتند و دوم اینکه آن‌ها خود از ناقضان عمده حقوق بشر محسوب می‌شوند و نه تنها طرح مسائل حقوق بشری اولویت آن‌ها نیست، بلکه می‌تواند حتی بر ضد این کشورها هم مورد استفاده قرار بگیرد.

واکنش ایران به تبدیل منطقه مسلمان‌نشین چین به زندان روباز

جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن معیارهای دوگانه، نسبت به آلام مسلمانان مناطق مختلف به طور یکسان عمل نکرده است. صدا و سیما به طور مکرر به پوشش خبری ویژه فلسطینیان

پرداخته و اقدام به پخش زنده و ۲۴ ساعته حمله‌های اسرائیل در نوار غزه کرده و تشکل‌های دانشجویی طرفدار دولت در فرودگاه مهرآباد بست نشسته‌اند. تهران همچنین نسبت به بدرفتاری با مسلمانان در غرب واکنش سرسختانه نشان داده است. به طور مثال، زمانی که «مروه شربینی» زن مسلمان مصری که در سال ۲۰۰۹ به خاطر داشتن حجاب در آلمان مورد حمله قرار گرفت، وزارت خارجه ایران سفرای آلمان و ایتالیا را احضار کرد؛ در نماز جمعه تهران مردم معترض، به طور نمادین پیکر شربینی را تشییع کردند و اداره پست ایران تمبر یادبودی برای بزرگداشت او منتشر کرد. ولی حالا که چین دست به بازداشت و شکنجه بیش از یک میلیون مسلمان زده، جمهوری اسلامی در تناقضی آشکار و رویکردی دوگانه، به سکوت و بی‌تفاوتی روی آورده تا مبدا کشور دوست و برادر، چین کمونیست دل آزرده شود.

مایک پمپئو، وزیر خارجه ایالات متحده اخیرا از سکوت مقام‌های ایرانی در قبال ظلم چین به مسلمانان در این کشور انتقاد کرده و جمهوری اسلامی را «رژیم ریاکار» نامیده بود. او با ذکر توییت رسمی رهبر جمهوری اسلامی نوشته بود: «خامنه‌ای توهم رهبری جهان اسلام را دارد اما رژیم او در مقابل آزار و بازداشت صدها هزار شهروند مسلمان توسط چین که بزرگترین خریدار نفت ایران است، سکوت کرده است.»

البته این استاندارد دوگانه موضوع جدیدی نیست و در گذشته هم در حالی که مقام‌های جمهوری اسلامی ایران مدعی بوده‌اند از حقوق مسلمانان فلسطینی در اسرائیل دفاع می‌کنند، در قبال نقض حقوق مسلمانان در روسیه (چچن) و چین (مسلمانان اویغور) به عنوان دو متحد اصلی خود، سکوت پیشه کرده بودند. بی‌تردید، این برخورد گزینشی و در پیش گرفتن معیارهای دوگانه اعتبار ادعای حمایت از مسلمانان و مستضعفان توسط جمهوری اسلامی را زیر سوال می‌برد.

واکنش ترکیه به هولوکاست چینی در ترکستان شرقی

در کنار ایران، دیگر کشورهای عمده مسلمان از قبیل عربستان سعودی، مصر، اندونزی و مالزی نیز تا کنون واکنش عمده‌ای به سیاست‌های سرکوبگرانه چین نشان نداده‌اند. در گذشته، ترکیه همواره نسبت به سیاست‌های چین بر ضد ۲۲ میلیون ترک اویغور معترض بوده و سیاست‌های ضد اویغوری و پاکسازی نژادی در چین معمولا اعتراض‌های گسترده‌ای را در ترکیه موجب می‌شد. این بار اما خبری از آن اعتراض‌های گسترده نبوده و حتی ترکیه که پیش از این نسبت به بدرفتاری با اویغورهای ترک زبان به اعتراض باز کرده و شماری از آن‌ها را به عنوان پناهنده پذیرفته بود، این بار سکوت کرده است.

به نظر می‌رسد دلیل اصلی این سکوت، مشکلات اقتصادی و سیاسی (تیرگی روابط با اروپا و آمریکا) است که ترکیه تحت ریاست جمهوری رجب طیب اردوغان با آن دست به گریبان است و این سکوت ثابت می‌کند چگونه موقعیت چین به عنوان یک قدرت نوظهور اقتصادی و شریک تجاری و کلیدی برای بسیاری از کشورهای مسلمان، بر موضع‌گیری آن‌ها در مقابل پریش اویغور تاثیر گذاشته است چرا که ترکیه، چین را فرصتی قلمداد می‌کند که می‌تواند منابعش را متنوع‌تر کرده و از وابستگی آنکارا به نهادها و کشورهای غربی بکاهد.

واکنش عربستان به آلام مسلمانان سنی در چین

عربستان سعودی خود را خادم حرمین شریفین و نماینده اسلام سنی به شمار می‌آورد. با این وجود، هیولای اقتصادی چین که در چهار دهه اخیر از خوابی طولانی بیدار شده، فاکتور مهمی در سکوت عربستان نیز است چرا که پکن در حال حاضر شریک تجاری مهمی برای بسیاری از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی محسوب می‌شود.

با وقوع اکتشاف‌های انرژی موسوم به «انقلاب شیل» در آمریکا و کاهش وابستگی نفتی «عمو سام» به خاورمیانه، کشورهایمانند عربستان سعودی در جست‌وجوی مشتری‌های جدید، نگاهشان را به سمت شرق چرخانده‌اند. البته این چرخش متقابل است چرا که چین با نیاز فزاینده‌اش به منابع انرژی، در حال حاضر مشتری حدود یک دهم از صادرات نفت عربستان سعودی است و این سهم به سرعت رو به افزایش است. دقیقاً به همین دلیل است که عمر کانت، رئیس کمیته اجرایی کنگره جهانی اویغورها می‌گوید: «ملت‌های مسلمان نمی‌خواهند به روابطشان با چین آسیبی وارد شود و به پکن به عنوان یک متحد بالقوه در مقابل کشورهای غربی و آمریکا می‌نگرند و به همین دلیل ترجیح می‌دهند در مقابل آنچه در اویغور روی می‌دهد، سکوت کنند.»

سیاست «چینی‌سازی» و ابتکار کمربند و جاده

جمهوری خلق چین در راستای سیاست «چینی‌سازی» منطقه ترکستان شرقی در تلاش است عناصر غیر چینی از جمله اویغورها، اسلام و مساجد را از منطقه پاکسازی کند. این سیاست جدیدی نیست و از زمانی که پادشاهان سلسله چینگ، ترکستان شرقی را ضمیمه خاک چین کردند، ادامه دارد. با این وجود، زمانی که در سال ۱۹۴۹ کمونیست‌ها قدرت را به دست گرفتند، تلاش‌ها برای تغییر ترکیب جمعیتی ترکستان شرقی مضاعف شد و جمعیت اویغورها از حدود ۸۰ درصد به حدود ۴۵ درصد امروزی کاهش پیدا کرد.

با تداوم اسکان گسترده جمعیت هان چینی، این سیر نزولی جمعیت اویغور ادامه دارد و آن‌ها در حال تبدیل شدن به اقلیت در سرزمین خود هستند تا دولت مرکزی چین راحت‌تر بتواند از منابع سرشار معدنی سین کیانگ بهره‌برداری کرده و از این استان دارای اهمیت ژئواستراتژیک برای تحقق برنامه بلند پروازانه موسوم به «ابتکار کمربند و جاده» استفاده کند.

با این وجود، سیاست غیر انسانی «چینی‌سازی» و پاکسازی مسلمانان، می‌تواند نتیجه عکس داده و خشم مردم بومی (اویغورها) و مسلمانان منطقه را بر بیانگیزد، همچنان که پاکستان به عنوان متحد راهبردی چین نخستین کشور اسلامی است که به طور جدی نسبت به بازداشت میلیونی مسلمانان در چین اعتراض کرده است. اعتراض‌هایی از این دست می‌تواند امنیت جاده‌ها و مسیرهای انتقال کالا و انرژی را - که از کشورهای مسلمان‌نشین می‌گذرد - ناامن ساخته و رویای «قرن چینی» و ابتکار کمربند و جاده را به خطر بیندازد.

این مطلب منعکس کننده دیدگاه ایران اینترنشنال نیست.



[چین](#)

[سین کیانگ](#)

[تبعیض نژادی](#)

[سیازمان ملل](#)

[اویغور](#)